

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد -

قیمت سوم (در صورت تکرار مجازات

مندرجه در این ماده تشدید میشود ولی

در هر صورت از دو برابر مجازات مواد اول

تجاوز نخواهد کرد) رأی گرفته میشود به

قیمت سوم آقایانیکه موافقت قیام

فرمایند -

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - ماده بیست

و ششم -

تدین - بنده پیشنهاد ختم جلسه

میکند -

نایب رئیس - چند فقره پیشنهاد راجع

بقانون نظام اجباری رسیده است قرائت

میشود -

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در جلسه روز سه

شنبه قانون نظام اجباری در جزو دستور در

درجه اول باشد

محمد ولی میرزا

بنده پیش نهاد میکنم در جلسه آتی

قانون نظام اجباری مطرح شود -

شریعت زاده -

بنده پیشنهاد می کنم که قانون نظام

عمومی جزو دستور و سه شنبه باشد -

ضیاء الملک -

پیشنهاد میکنم - روزهای پنجشنبه

مخصوص بندا کرده قانون نظام جزو

دستور باشد -

سالار لشکر -

نایب رئیس - عده برای رأی کافی

نیست -

شیروانی - قانون نظام اجباری مخالفی

ندارد -

نایب رئیس - بایستی رأی گرفته شود

دستور جلسه آتی لایحه سجل احوال و پیشنهادات

راهم در جلسه بعد رأی میگیریم -

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم

شد)

رئیس مجلس شورای ملی موتمن الملك

منشی - علی اقبال الملك

منشی - معظم السلطان

جلسه یکصدوسی ونهم

صورت مشروح مجلس

یوم سه شنبه بیستم حوت

۱۳۰۳ مطابق چهاردهم

شعبان المعظم سنه ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و بیست دقیقه

قبل از ظهر بر ریاست آقای

موتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه

هجدهم حوت را آقای

آقامیرزا جوادخان قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس

ایرادی نیست؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای میرزا عبدالله خان

(اجازه)

آقامیرزا بدالله خان - خاطر

محترم آقایان نمایندگان مستعضر است که

بنده در هشت ماه قبل پیشنهادی راجع به

خشکانیدن سیاه آب های شهریار تقدیم

کردم

گمان میکنم در هر دوره مسئله

مالاریا در مجلس مطرح است پیشنهادی

که بنده تقدیم کردم بکمسیون فواید عامه

مراجعه شد و از کمسیون فواید عامه بوزارت

فواید عامه ارجاع شد و در آن جا هم

خود بنده تعقیب کردم و رأی کافی داده

شد -

بنده خواستم از نمایندگان محترم استدعا

کنم که راجع باین موضوع يك توجه

مخصوصی فرمایند و از مقرر کمسیون

فواید عامه توضیح بخواهم که علت اینکه

هشت ماه است پیشنهاد بنده که راجع به

مالاریای شهریار است و اغلب آقایان هم توجه

دارند بمجلس نیامده چه بوده و برای چه

این اندازه بتأخیر انداخته اند؟

رئیس - آقای شیروانی

(اجازه)

شیروانی - هر چه ما میخواهیم

اوقات گرانهای مجلس را صرف يك مسائلی

نکنیم که اهمیت آن مسائل از قانگذاری کمتر

است نمیشود

متأسفانه يك مطالبی را اگر بخواهیم

در جراید تعقیب بکنیم سانسور میشود و

هفت هشت نفر نماینده مدیر روزنامه هم

که عجالتاً حاضر شده اند تا مل نمایندگان مسائل

اقتصادی يك چیزی است که هر روز در

اطراف آن در مجلس حرفهای زده می

شود و در جراید هم مقالاتی منتشر می شود

ولی در عمل هنوز يك قدم اساسی برای

اقتصادیات برنداشته ایم

بلکه آنها را راهم که داشته ایم

تقریباً داریم از دست میدهم موضوع

شیلات يك چیزیست که اغلب آقایان

نمایندگان مطلعند

که یکی از منابع مهم عایدی این

مملکت است و تقریباً در این سه چهار سال

اخیر از این محل بزرگ دیناری مملکت ما

نشده است -

حالا سبب چیست بنده آنرا عرض

نمیکند -

در هر صورت اخیراً شنیدیم که دولت

يك توافق نظری پیدا کرده است و يك

قراردادی هم بین دولت ایران و دولت

شوروی منعقد شده و امضاء گردیده است و

بنائست بمجلس شورای ملی بیاورند البته

خوب یاد

اگر همچو چیزی بمجلس می آمد در

مجلس جزئیاتش معلوم می شد و ما پیش

مرتفع می گردید و بالاخره این محل بزرگ

عایدی از دست ما نمی رفت

بندختانه بنده شنیده ام این موضوع

بزرگ اقتصادی هم رفته است در آنجا

هائی که موضوع راه جزو کتانه و سایر

موضوعها دفن شده است

بنده مخصوصاً خواستم تذکر بدهم

که آقایان نمایندگان دولت را متذکر

کنند باینکه اگر يك مشکلاتی و نواقصی

دارد دولت خودش در نظر بگیرد و رفع

کند و زوتر آن را بمجلس بیاورد که برای

بودجه سال آتی يك مخرج خوبی که از دست

داده بودیم دوبرتبه بدست بیاوریم

بعضی از نمایندگان - وارد

دستور شویم

رئیس - قانون سجل احوال از ماده

بیست و شش مطرح است -

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و ششم - حسب هائی که به

موجب این قانون مقرر است در صورتیکه از

شش ماه تجاوز نکند بمناسبت تمکن و با

رعایت کیفیات ارتکاب از قرار روزی يك و

دو قران تا پنج قران قابل اکتیاع خواهد

بود -

رئیس - آقای معتمد السلطنه

(اجازه)

معتمد السلطنه - در این باب

عرضی ندارم

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

(اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده هم عرضی

ندارم

رئیس - آقای داور

(اجازه)

داور - از نقطه نظر حفظ اصول

همانطوریکه در مرقع دیگر هم عرض کرده

اساساً با حبس قابل اکتیاع مخالفم

سابقاً هم عرضی کرده ام که قاضی

وقتی قضاوت می کند بین مجازات هائی که

معین شده است که یکی از آنها حبس است

و یکی هم جریمه

بین آنها بایستی از روی يك دلایلی

خودش مجازات را معین کند و به بیند چه

مجازاتانی برای آن کسی که تقصیری را مرتکب

شده است شایسته است

نه اینکه مجازات را طوری قرار

دهند که شخص محکوم اگر دارائی داشت

حبس خود را بخرد و اگر نداشت برود در

مجلس و در حقیقت حبس قابل اکتیاع مخصوص

بمقراء است -

زیر اشخص فقیر چون چیزی ندارد باید

حتماً حبس بشود

حتماً حالا اگر هم لازمست مراعات هر

دو مسئله بشود که هم حبس و هم جریمه باشد

خوبست نوشته شود که از فلان میزان

تا فلان میزان جریمه

و از فلان وقت تا فلان وقت

حبس که هر کدام را قاضی دانست رأی

بدهد نه اینکه کسی که پول دارد حبس

خودش را بخرد و اگر نداشت و نتوانست

پول بدهد حبس بشود و بالاخره چون استطاعت

ندارد باج فقرا بدهد -

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - این مسئله مکرر

در مجلس محل صحبت واقع شده و آقای

داور هم که یکی از حقوقدانها هستند

بیانات شافی کرده اند -

ولی در تمام مواقع گمان نمیکند يك

فلسفه کفایت کند -

ما نظائر داریم هم در قانون الهی و

هم در قانون مملکتی که تخییر نسبت بمجازات

هست -

یعنی کسیکه تخلف از قانون کرد

مجازاتیکه نسبت باو باید بشود مخیر است

این را قبول کند یا آنرا و این مسئله نظیر

هم دارد و باید قوانین تمام جاها را ملاحظه

کرد -

بنده هم جزء اشخاصی هستم که عقیده

دارم تخلف از قانون مجازات دارد مسلم

است قانون نباید بدون مجازات باشد برای

اینکه اگر بدون مجازات باشد عنوان وعظ

و نصیحت را پیدا میکند نه عنوان قانون و

سیاست -

ولی در اینکه باید فوق العاده فشار

و سختی بشود و در هر موضوع که ما صحبت

میکنیم فقراء و اغنیاء را جلو بکشیم که

فقراء میروند حبس و اغنیاء نمیروند مخالفم

و این ترتیب خوب نیست -

شما خودتان از فلسفه هستی عنوان

قانون را پیش بیاورید نه اینکه فقیر میروند حبس

و غنی نمیروند -

بعلاوه چون این قانون حقیقه یکی

از مراتب اولیه قوانین است و کم کم می -

خواهیم در آن وارد شویم از ابتدا نباید

فوق العاده سخت و شدید باشد و مجازات های

قوی داشته باشد -

اول باید مجازاتش کم باشد و بعد که

جریان پیدا کرد مجازات را شدیدتر کنیم -

البته مشروطیت ما که تعطیل بردار

نیست انشاء الله در دوره هفتم و هشتم این

مجازات ها را شدیدتر میکنیم و این تخییر برای

تخلف از قانون هیچ ضرر ندارد و برای پیش -

رفت قانون بهتر خواهد بود -

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس

(اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - عرض

کنم این مطلب يك مطلبی است به قول

آقای آقا سید یعقوب فلسفی -

تمام افراد در مقابل قانون به موجب

قانون اساسی باید متساوی الحقوق باشند

و باید قانون را يك طوری نوشت که برای همه

یکسان باشد -

در اینجا فرمایش آقای داور حل قضیه

را نمیکند زیرا ایراد میکنند که مبنی را

تخییر يك کدام قرار دهند -

یعنی اختیار با محکمه باشد.
 اگر اختیار با محکمه باشد باز اگر کسی پول داشت از او پول بگیرند و اگر پول نداشت ناچار حبس برایش میکنند و اما راجع به فرمایش آقای آقا سید یعقوب که میفرمایند قانون رفته رفته پیش برود.
 یعنی مجازات را کم قرار بدهند.
 ممکن است مدت حبس را کم قرار بدهند.
 یعنی از ابتدا از دو ساعت حبس نایک روز حبس یا دو روز حبس معین کنند و این ترتیب البته بهتر است.
 والا حقیقه بعقیده بنده اگر یک کسی خواسته باشد بگوید که حبس قابل ابتیاع تغییر یافته باشد معنی این است کسی که پول دارد حبس خودش را بخرد و کسی که ندارد حبس بشود.
 و با این ترتیب نسبت به عموم تساوی حقوق منظور نشده و ما باید قوانین را طوری وضع کنیم که نسبت به عموم اشخاص متساوی باشد.
 ولی یک موضوع هائی که چندین اهمیت مخصوصاً چنانکه سابقاً هم ملاحظه فرموده اید این ترتیب موجب فساد اخلاق مردم میشد.
 یعنی کسیکه پول داشت هزار گونه حرکات خارج از قانون میکرد و بالاخره حبس خودش را میخرید.
 این است که بنده هم با حبس قابل ابتیاع و هم با حبس تغییری مخالفم.
 رئیس آقای طهرانى (اجازه)
 آقا شیخ محمد علی طهرانى - تعجب میکنم از شاهزاده شیخ الرئیس که اعتراض میکنند.
 مطابق قانون اساسی باید تمام افراد متساوی العقول باشند، این جا هم متساوی العقول هستند بجهت خاطر اینکه دستورا بردسته دیگر امتیاز نداده اند که حتماً یک دسته حبس شوند و دسته دیگر جریمه بشوند.
 و ثانیاً از آقایان یک سؤال بیشتر نمیکند:
 دست ترین کارها در مملکت ما مرده شونی است و هر وقت بیک کسی میخوانند بد بگویند این لفظ را با او میگویند بیک بیچاره کارش غصالی است بجزارت آخری مرده شور است.
 بواسطه اینکه هیچکاری از دستش بر نمی آید این شغل است را قبول میکنند برای اینکه عائله خودش را اداره کند نمی توان افراد ایرانی را با افراد اروپائی موازنه کرد.
 زن های اروپا و خودشان تحصیل روزی میکنند و با عملیات بدی خودشان ارتزاق میکنند.
 ولی زن های ایرانی واجب النفعه مرد

ما هستند.
 مردها باید زحمت بکشند و زن ها را نان بدهند.
 حالا آمدیم این مرده شوی بدبخت بیست و چهار ساعتی را که در قانون نوشته بعد از بیست و پنج ساعت راپورت داد یک دفعه دیگر هم بعد از بیست و پنج ساعت راپورت داد.
 آن وقت باید این مرده شوی بدبخت را ببرند حبس کنند آن هم بدون قابل ابتیاع.
 در این صورت زن و بچه و هائله آن بیچاره باید بیقت توی گوچه و بازار و ما ناچار شویم دارالجزیه و دارالمساکین درست کنیم.
 آن وقت جناب عالی هم که آقای شیخ - الرئیس هستید مجبور میشوید که بیست و چهار ساعت راپورت بدهید برای آنها این ترتیب اساس ندارد خوبست اول برای مردم کار درست بکنیم بعد قوانین سخت وضع نمائیم.
 بلی باید مجازات باشد و حبس هم باشد.
 ولی یک موضوع هائی که چندین اهمیت فرموده اید این ترتیب موجب فساد اخلاق مردم میشد.
 فرضاً یک غسالی بجای اینکه بعد از بیست و چهار ساعت راپورت بدهد بعد از بیست و پنج ساعت راپورت داد نباید او را ببرند حبس کنند آن هم حبس غیر قابل ابتیاع!! که تمام هائله او از گرسنگی و فقر و فاقه بپیرند!!
 حالا آمدیم آن مرده را که این شخص شسته فهمید که در اثر بنیاتی این شخص مقتول شده و چون تقریباً این شخص از وضعیت جنایات اطلاع پیدا کرده است خود این شخص هم شریک جرم است و مطابق قانون مطلع از جرم بعد از اطلاع پیدا کردن از جرم اگر بمقامات مربوطه اطلاع نداد آن وقت خود او هم شریک جرم میشود و برای این شخص هم در قانون جزا مجازات معلوم است.
 ولی در اینجا فقط باین عنوان که بیست و چهار ساعت بیست و پنج ساعت شده شش ماه حبس غیر قابل ابتیاع ظلم است.
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
 (بعضی گفتند کافی نیست)
 رئیس - رأی میگیریم ۶ آقایانی که (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - معلوم میشود کافی است. رأی گرفته میشود بماده ۲۶ آقایان موافقت قیام فرمایند.
 (جمع کثیری قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. ماده بیست و هفت.
 (شرح ذیل خواهد شد)

معتبر است. اشتباه کرده اند و میبایستی سابق را مراجعہ کنند و معلوم میشود منظور نگردانند. و در اینجا حدتصویرات دیده دارند کسی که عائله وزن و بچه دارد را معین میکنند والا در ماده بیست و پنج صریحاً میگوید.
 کسانیکه ورثه سجل احوال را از آنها غصب کرده اند و ۶ ماه تا فلان بخواهند حبس خواهند شد.
 از این جهت پیشنهاد کرده ام که سند سجل احوال را ممکن است بکسارت رادولت باید بدهد و از مأمور جعل و امضاء کند و بدست بگذارد.
 مخبر - اساساً گمار میکنم فرمایش در اینصورت حکم جعل در برابر این بنده محترم قابل تصدیق باشد چنانچه شخص مجری خواهد شد از اینکه این طرف اغلب آقایان هم گفته مأمور - جعل احوال باشد یادگیری هر چه در حکم جعل خواهد بود بنا بر این ملاحظه فرمایند که تا کنون در هیچ اعتراضی بر این ماده وارد نیست.
 رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)
 محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - چنانچه همه روزه شمار در اینجا از دست در موقیبه که ما باید قانون بگذاریم مأمورین مالیه شکایت میکنند که فلان نفر همانطور که منافع عموم را در نظر میگیرد بابت بمرم زده اند و هیچ ماده که این ردد مقابل تخلفی و تجاوز از آن برای دولت را از دولت دریافت کند وضع مجازات وضع میکنیم همانطور هم بماند.
 در قانون مراعات حال مردم را بکنیم این ماده میگوید.
 اگر خسارتی از طرف مأمورین باشخاص وارد آید باید از طرف خود آن جبران شود. بنده با این ترتیب مخالفم چون مأمورینی که خسارت به مردم زیرا فرض میکنم یک مأموری پنج هزار مایه بمرم زده اند و خسارت اشخاص تومان بواسطه غفلت و تسامح بیک که آید.
 ضررزد آنوقت چطور این ضرر را بپردازد والا اگر در این مورد بخصوص ما خود آن مأمور جبران میشود در صورتی که مأمورین دولت را مسئول عملیات مأمورین فقط باندازد معاش خودش خرد بدهیم گمان میکنم منطقی نباشد.
 ولی چنانچه عرض شد ممکن است بعلاوه بنده مأمور را نیشناسم بطور کلی یک ماده پیشنهاد کند و بنده هم دولت را میشناسم و در این قبیل موارد بوقت خواهم کرد باینطور که هر گاه بچشم دولت نگاه میکنند همانطور که مأمورین دولت اعم از مالیه و خارجه و قوانین تجاری هم معین شده که اگر غلطه یا فواید عامه و سجل احوال موجب یولی میدهم به عنوان شخصی بلکه به عنوان بزه داری بفرموندند دولت را بپردازد و اگر خسارت آنها بر آید و از خزانه هم من بدارم میروم که عنوان دولت بکنم جبران کند آنوقت اگر مأمور دارد و در واقع دولت را میشناسم اگر از او بگیرد و اگر هم نداد تیره مأمور بدست نباید بفرستد یا او را ببرد.
 کار بگمارد والا در مسئله خسارت اشخاص ولی در این مورد بخصوص اگر همانطور که جرایم رادولت میگیرند و ما هم دولت را مسئول خسارتی که از راهم باید خود دولت بپردازد و جبران مأمورین سجل احوال بر اشخاص وارد کند آنوقت اگر مأمور دارد خود باید بپردازد و فراردهیم تصور نمیکند با اساس و از او بگیرد و اگر هم نداد خود میباید بپردازد.
 و در هر حال دولت این ضرر را باید بپردازد.
 (اجازه)
 شریعت زاده - یک قسم از توضیحاتی میباشد که خسارت را باید از منافع و عواید بنده میخوانم بمرض آقایان برسانم که دولت در مقابل تقلبات اشخاص بگمارد آقایان بمرض مجلس رسانند.
 بپردازد و بعد از خود مأمور بگیرد بنده توجه آقایان را باین مطلب جلب کاری که دلش میخواهد بکنند بهر طرف بنده یاد بگزارم دولت است نه من ضمن انجام وظیفه مسئولیت برای خود مأمور حالا میخواهند او را حبس کنند گاهی از اوقات یک مأموری در حدود

وظایفی که برایش مقرر شده است یک اشتباهی میکند.
 مثلاً قضات در ضمن قضاوتشان ممکن است یک اشتباهائی بکنند که مستلزم ضرر و خسارت برای بعضی اشخاص باشد.
 ولی این اشتباه در صورتی که ناشی از یک نظر بیانی نباشد برای خود آنها و دولت مسئولیت آور نیست.
 از این نقطه نظر بنده معتقدم که در اینجا هم قید شود.
 مسائلی که موجب خسارت میشود اگر ناشی از اشتباه مأمور باشد در صورتی که آقایان خیلی میل داشته باشند ممکنست گفته شود دولت جبران کند.
 ولی در صورتی که یک مأموری عمداً خارج از حدود و وظایف مقررش رفتار کند مسئول خود اشخاص خواهد بود.
 از این جهت بنده پیشنهاد خواهم کرد در مواردی که در نتیجه خطا و اشتباه خسارتی از طرف مأمورین متوجه بعضی اشخاص میشود و آن دولت خواهد بود.
 ولی در صورتیکه عمداً مرتکب خطا و اشتباهی شود شخصاً مسئول خواهد بود.
 رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)
 وکیل الملک - بنده مخالفم رئیس - آقای دکتر آقا بانه مخالفند؟
 دکتر آقا بانه - بلی رئیس - آقای یاسانی (اجازه)
 یاسانی - نسبت باین ماده دو اعتراض شده است که بنظر بنده هیچ یک وارد نیست.
 اعتراض اول این بود که این مجازات برای مأمورین که مرتکب خطا میشوند کافی نیست و کم است.
 همانطور که آقای طهرانى فرمودند اشخاصی که در خدمت دولت هستند بطور کلی در هر رتبه که خدمت میکنند اگر مرتکب جنحه یا جنایتی شدند مثل همه مردم محاسبه و قضاوت خواهند شد و از این حیث تفاوتی با سایرین ندارند فقط اگر یک خطائی در حدود وظیفه برای آنها مقرر شده است مرتکب شده در این صورت از لحاظ اداری مجازاتهای اداری برای آنها معین شده است.
 بنا بر این اگر مأمورین سجل احوال سندی را جعل کرد حکم اشخاص دیگری را دارد که سندی می کند و مثل آنها محاسبه و مجازات میشوند.
 یا فرضاً مأمورین سجل احوال مرتکب قتل شد.
 در اینصورت هم او را از کار مطلق می کنند و مثل دیگران محاسبه می فرستند و او را محاسبه و مجازات میکنند

ولی این مجازاتی که در این جا معین شده از نقطه نظر اداری است و مربوط به محکمه اداری است و مجازات او در محکمه اداری بعمل خواهد آمد.
 اعتراض دوم این بود که اگر مأمورین خطا یا اشتباه کردند و در نتیجه آن خطا یا اشتباه ضرر و خسارتی بکسی متوجه شد بعضی ها معتقد بودند که دولت باید تحمل آن خسارت شود و بعضی دیگر عقیده داشتند اگر آن اشتباه عمدی نبود دولت و اگر عمدی بود خود آن شخص مأمور جبران کند به عقیده بنده همانطور که آقای آقا میرزا شهاب فرمودند اگر بنا شود ما این باب را مفتوح کنیم باید اقلاً سالی شش کرور در بودجه برای اینکار منظور کنیم.
 ملاحظه فرمائید مدعی العمومها و مأمورین امنیه و نظایم و مستنطقین و ضابطین عدلیه علی التوالی در نتیجه یک سوء ظنی که بعضی ها میبرند غالباً مردم را تعقیب می کنند و یکسال و دو سال هم ممکن است آنها را در تحت تعقیب نگاه دارند و شاید هم بالاخره تیره شوند ولی در هر حال در نتیجه این تعقیب یک خسارتی بآن اشخاص قطعاً وارد خواهد آمد و اگر معتقد شویم دولت جبران این خسارات را بکنند گمان می کنم تمام بودجه و خزانه مملکت هم کفاف این خسارات را ندهد.
 بنا بر این در اینجا هم اگر مأمورین سجل احوال خطا کرد و ضرری بکسی رساند مسئول خود او است و نمیشود دولت را مسئول قرار داد.
 از نقطه نظر شرعی هم ضمان هر کاری با کسی است که خودش مرتکب آن شده است.
 پس هر کسی مسئول اعمال و افعال خودش است.
 اگر چنانچه یک کسی مرتکب عملی شد و ضرری بکسی رساند خود او مسئول آن اضرار خواهد بود.
 شرعاً هم بنظر درست است. مثلاً اگر کسی در کوچه راه میرفت و یکی تنه زد و اتفاقاً آن شخص مرد مسئول کیست آیا دولت مسئول است یا غیر.
 مسئول خود آن شخص است در اینجا هم همین حال را دارد.
 اگر مأمورین سجل احوال مرتکب خطا و اشتباهی شد مسئول ضرری که وارد آورده است خود آن شخص است نه مأمور دولت.
 بعلاوه چه جهت دارد که فقط در این مورد بخصوص ما این امر را قابل شویم و تبعیض قتل شد.
 اگر بنا شود ما این کار را بکنیم باید نسبت به همه مأمورین قائل شویم و آنوقت باید حساب کنیم خساراتی که از این راه

متوجه دولت میشود چقدر است.
 به عقیده بنده این خسارت در سال بالغ بر شش کرور خواهد بود و گمان نمیکند این مسئله در سایر ممالک متدنه دنیا هم سابقه داشته باشد.
 اگر هم سابقه داشته باشد در ممالک مخصوصی خواهد بود و شاید در انگلستان اینطور باشد ولی در هر حال کلیت ندارد.
 رئیس آقای داور و آقای دکتر آقا بانه پیشنهاد کرده اند این ماده مراجع شود بکمسیون.
 آقای دکتر آقا بانه (اجازه)
 دکتر آقا بانه - بنده اصلاً تصور نمی کنم که نسبت باین پیشنهاد مخالفی باشد زیرا قضیه خیلی ساده است.
 باید دید آیا واقعا متصفان و عادلانه است که مجازات یک مأموری که خودش حافظ اسناد مردم است و وظیفه در حفظ و حراست آن اسناد دارد بما سایر مردم که این وظیفه را ندارند یکی و مساوی باشد!!!
 تصور نمیکند آقایان محترم هم این مسئله را تصدیق بفرمایند.
 بی دلیل نیست که در سایر ممالک دنیا که در این قضا با خیلی جلوتر از ما هستند و تجربیات زیاد دارند یک مجازات های شدیدتری برای مأمورین سجل احوال در این قبیل موارد وضع کرده اند.
 ملاحظه فرمائید یک مأموری که گاهی بیست تومان حقوق دارد چطور می تواند از هفده خسارت وارد بشخص بر آید.
 رئیس آقای داور راجع ماده به کمیسیون حرف بزنید.
 دکتر آقا بانه - بلی در این موضوع عرض میکنم در سایر ممالک در این ماده بخصوص قید کرده اند که اگر کسی سندی را جعل کرد یا فرضاً جعل کند صریحاً بود و دفترش هم صریح بود ولی آن سند را بشخصی داد که از صاحب آن سند نیست یک مجازات شدیدی دارد.
 آنها تمام این مواد را پیش بینی و در قانون ذکر کرده اند.
 آقایان باید ملاحظه فرمایند که این قانون یک چیزی است که همه روز نمیشود او را تغییر داد.
 بنا بر این امروزه لازم است تمام این انتظامات و مقررات لازم را در نظر بگیرند تا بعد مردم دچار اشتباه و اشکال نشوند و چون این ماده خیلی گنگ است و این شرحی که در ماده بیست و پنج نوشته شده است وافی بمقصود نیست و اصلاً مربوط بمسئله نیست از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که ماده برگردد بکمسیون و در آنجا وقت و اصلاح شود.
 رئیس آقای داور (اجازه)

داور - البته آقایان می دانند که چند ماده از این قانون بکمیسیون رفته است ضروری ندارد که این ماده هم بکمیسیون برود در آنجا دقت شود.

معاون وزارت داخله - تصور میکنم اگر قدری دقت کنید با جزئی اصلاحی بتوان این ماده را اصلاح و عیبش را برطرف کرد.

مقصود از مجازات در اینجا مجازات اداری است زیرا انضباطی که در شمار جرایم عمومی هستند آنها در جای خود محفوظ و معین است و لازم نیست که ما در این جا ذکری بکنیم.

مثلا در ماده بیست و پنجم ذکر شده دیگر محتاج بقید در اینجا نیست.

مأمورین در موقع ارتکاب قصیر اداری به موجب فقرات ۳ تا ۵ ماده ۳۸ قانون استخدام مجازات خواهند شد.

مقصود از این ماده و این شرح است که اگر خسارتی در اثر اشتباه یا مأمورین سجل احوال بکسی وارد آمد چگونه آن خسارت جبران خواهد شد و باید تکلیف این مسئله معین شود.

بنابراین گمان میکنم ارجاع این ماده بکمیسیون لزومی نداشته باشد.

در حال بسته برای مجلس است اصلاح هم بنظر بنده اینطور میرسد که نوشته شود مأمورینی که مرتکب خطا و تقصیر اداری میشوند.

رئیس - رأی گرفته می شود برای ارجاع بکمیسیون. آقایان موافقین قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

مراجعه میشود بکمیسیون

ماده بیست و هشتم قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و هشتم - مسئولیت سجل احوال هر ولایت با حاکم آن ولایت است و مباشرت آن در شهر باداره بلدیة یا نظدیة و در قصبات با نایب الحکومه و در دهات با کدخد است که بکسک محرر شرعیات ده وظایف سجل احوال را انجام می دهد و در مالک خارج نمایندگان دولت است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای شیخ رئیس

(اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ رئیس - گمان میکنم در این ماده کمیسیون همچو تصور کرده است:

که در تمام دهات محرر شرعیات و اشخاص باسواد وجود دارد در صورتیکه اینطور نیست و در غالب ایران نه تنها محرر شرعیات نیست.

بلکه باسواد هم وجود ندارد از این جهت بمقتیده بنده محض احتیاط بهتر این است که نوشته در نقاطی که محرر شرعیات نیست بنزدیکترین نقطه که در آنجا محرر شرعیات هست مراجعه کنند و اگر این قید نشود مسئله با تکلیف مینماید برای اینکه محرر شرعیات در آندهات نیست و چون نیست مردم تکلیفشان را نمی دانند بهتر این است ماده طوری نوشته شود که اسباب اشکال برای مردم فراهم نشود.

آقای میرزا شهاب الدین مخبر -

باید با کمال افسوس اقرار کرد که همان طور است که میفرمایند در بسیاری از قراءت و قصبات ما باسواد نیست.

ولی اگر این فرمایش که میفرمایند قبول کنیم.

یعنی به نزدیکترین معلی که در آنجا محرر شرعیات باسواد دارد در آن وقت این یک عسر و حرجی برای اهالی تولید میکند که باید بروند به چهار فرسخ یا ه فرسخ در آن دهی که در آنجا کسک محرر شرعیات یا یک نفر آدم باسواد هست و این ترتیب باعث زحمت اهالی خواهد شد و اگر یک چنین ترتیبی پیدا شد باید بیک شکل دیگری حل کرد.

یعنی یک نفر شخص باسواد بآن جا فرستاد که مسئولیت با او باشد و الا با این ترتیب که میفرمایند برای اهالی تولید عسر و حرج خواهد کرد.

رئیس - آقای داور

(اجازه)

یک نفر از نمایندگان - نیستند

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس

(اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ رئیس

مقصود بنده تسهیل امر بود اگر اینطور که آقای مخبر فرمودند در آن دهی که شخص باسواد نیست مأمور خواهند فرستاد بنده از طرف رعایا کمال تشکر را دارم - مقصود بنده همین بود که معین شود اگر در دهی محرر شرعیات یا شخص باسواد نبود بیک ترتیبی و سالی برایش درست کنند که مسئله انجام بگیرد و کار پیش برود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم بعد از جواب دادن آقای مخبر شاهزاده شیخ رئیس قانع شده باشند.

البته اساس شرعیات را می دانند تکلیف فرج بر قدرت است.

وقتی که محرر شرعیات و شخص باسواد نبود بر آنها تکلیفی نیست.

حالا میخواهید بر آنها تکلیف وارد کنید.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

بعضی گفتند کافی نیست

رئیس - رأی میگیریم. آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (جمعی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست.

آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - بنده جوابی را که آقای مخبر دادند درست ملتفت نشدم. آیا فرمودند دولت ملزم میشود که محرر شرعیات بفرستد؟

شاهزاده فرمودند دولت ملزم باشد یک محرر شرعیات بفرستد خیلی خوب است اهل دهات هم تشکر خواهند کرد.

ولی فرض کنیم که هست و باید سجل چیست؟

آیا مأمورین سجل احوال معطل میمانند زیرا باست محرر شرعیات را پیدا کنند تا کارشان را انجام دهند و این ماده کافی نیست.

مخبر - در موارد عیدیه تصریح شده است (که پس از تأسیس شعبه سجل احوال در هر محل) در این محل شعبه سجل احوال شد و دفترش راهم باز کرد و باید بکسک محرر شرعیات اظهار نامه را بنویسد در آن جا اگر شرعیات نیست آن وقت مسئولیت با خود مأمور دولت است اگر گفت شما بدون محرر شرعیات بیاید اظهار نامه بگیری دیگر اینجا مسئولیتی متوجه مردم نیست و اگر در آن جا محرر شرعیات نبود اطلاع می دهد بر کز که در اینجا باسواد نیست یک نفر بفرستید که کسک من نماید و اگر هم برخلاف قانون رفتار کرد بدون کسک محرر شرعیات (مقصود از محرر شرعیات ملای ده است) این کار را کرد البته دیگر مسئولیتی بر مردم نیست و مسئولیت متوجه خود مأمور دولت است که بدون کسک محرر شرعیات این کار را انجام داده است.

رئیس - آقای سردار عثمانیر

(اجازه)

سردار عثمانیر - عرض بنده این است که همینطور که بعضی از آقایان هم فرمودند در دهات باسواد هیچ نیست مگر کمی در بعضی جاها و مخصوصا در ایلات که هیچ باسواد نیست.

بنده خود هم عضو کمیسیون هستم ولی این را وقتی که آقایان می نوشتند بنده نبودم و اگر هم بودم مخالفت میکردم بنده عرض میکنم در صورتیکه دولت نمیتواند مسئول این امر بشود.

چرا یک رئیس ایل یا رئیس یک خانواده باید مسئول بشود و باید این تکلیف ایلات و دهات معین شود و الا هیچکس نمیتواند این مسئولیت را بعهده بگیرد

مخبر - این که در این ماده این تبصره

را نوشته اند برای همین بود که در ایلات دهات یا کاشاکالاتی بود و نظر همین است در قانون بشر بنی شده است

پس از تأسیس شعبه سجل احوال اقدام کنند و اینکه میفرمایند وسائل فراهم نیست.

البته تاز وقتی وسائل اینکار فراهم نشود تأسیس شعبه سجل احوال هم نمیشود و این که کاملا فراهم شد آن وقت شعبه سجل احوال تأسیس میشود و مردم هم مطابق قرار این قانون میروند اظهار نامه میدهند و هیت میگیرند و آن مراتب را کاملا میپردازد ولی مادامی که وسائل فراهم نشود البته مسئولیتی متوجه اینها نیست

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است؟

(گفتند - بلی)

رئیس - سه فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای اخگر - بنده پیشنهاد می کنم تبصره ماده بیست و هشت حذف شود.

رئیس - این را طوری دیگر تقاضا کنید

تجزیه کنید. چون رأی بحذف نمی شود گرفت

اخگر - بلی تقاضای تجزیه میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای اخگر (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت مأمورین مخصوص حذف شود.

رئیس - بفرمایند

اخگر - این را جمع بماده بعد است

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای اخگر (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه امنیه بنایا مبدل شود

اخگر - هر دو راجع بماده بیست و هشت است.

رئیس - نوشته اید ماده بیست و هشت است

اخگر - اشتباه شده است راجع به بیست و نه است

رئیس - پیشنهاد آقای سلطان العلماء (اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده بیست و هشت عبارت

سلطان العلماء - بنده پس گر پیشنهاد آقای شیروانی بنده پیشنهاد میکنم تبصره ۲۸ شود تبصره ۲ - در جاهائی که برای احوال مأمورین سجل احوال در ظرف مدت اول اجرای این قانون مسئول خواهد

رئیس - بفرمایند

شیروانی - آقایان اگر قدری فکر بفرمایند می بینند که ممکن است در عمل دچار اشکال بشوند

فرض کنید یکسال از مدت قانون سجل احوال گذشت و باید تمام مملکت مطابق این قانون بیرون دوره سجل احوال بگیرند و وظیفه خودشان را انجام دهند موقع انتخابات هم رسیده یک عده دهاتی بی سواد هم می آیند در شهر رأی بدهند

در آن وقت می آید اینها را میگیرند و اینها تا بخواهند ثابت کنند کده ما باسواد داشته نوری جرم است و ششماه حبس و مجازاتی که در این قانون برای کسی که نیامده است وره سجل احوال بگیرد در باره اش اجراء خواهد شد و تا بخواهند ثابت کنند که ما اشخاص باسواد نداریم و مأمورین سجل احوال هم آنجا نیامد او را بخدا رسانده اند و اگر در جاهائی که آدم باسواد نباشد وزارت داخله از جاهای دیگر که اشخاص باسواد دارد دارد حکم کند بعنوان مأمور سیار بروند

در آنجا و برای عده رعایائی که در آنجا هستند اوراق سجل احوال بنویسند و بدهند خیلی خوب است و هیچ اشکالی هم ندارد از این جهت بنده است تبصره را پیش نهاد کردم

مخبر - با اساس بنده موافقت می کنم ولی عبارتش باید اصلاح شود

شیروانی - بروید بکمیسیون

رئیس - آقایان اینکه این قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد

شیروانی - آقای مخبر قبول کردند

رئیس - قبول نکردند گفتند اصلاح عبارتی باید بشود

مخبر - عرض کردم با اصلاح عبارتی قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده (شرح ذیل خوانده شد)

حائری زاده ماده بیست و هشت را بشکل ذیل معتقد است اصلاح شود

ماده (۲۸) مسئولیت سجل احوال هر ولایت هر ولایت با حاکم آن ولایت است و مباشرت آن با کسانی میباشد که طرف اعتماد حکومت باشند و در مالک خارج با نمایندگان دولت است

رئیس - بفرمایند

حائری زاده - اصلاح مسئولیت را باید همیشه فکر کنیم که بعهده اشخاص بگذاریم که بآنها حقوق میدهم هر کسی که مواجبتی گیرد چه مسئولیتی در مقابل دولت دارد؟

مگر يك مسئولیتی که افراد راجع بمسائل عمومی دارند اینجا رئیس هشیره مواجبتی از طرف دولت ندارد

که رئیس ایل یا هشیره شده است ما چگونه می توانیم برای او مسئولیتی معتقد شویم و باید بطور مطلق بنویسیم حکومت کسانی را که ظرف اعتماد او هستند برای مباشرت اینکار معلوم می کند و در هر آبدی دولت ممکن است یک مأمور داشته باشد اگر هم نداشته باشد یک مباشری که مالیات را جمع میکنند است و ممکن است اینکار را از آن مباشر مالبه که در آنجا هست بخواهند و بنده معتقدم که در آن نقطه ای که اداره بلدیة دارد یا آنها باشد و در شهرها با نظمیة و در قصبات با نایب الحکومه و در دهات با مأمورین مالبه باشد و اگر غیر از اینها باشد تولید اشکال میشود قائمه هم ندارد.

معاون وزارت داخله باید آقایان يك نکته را متوجه باشند آن این است که البته ممکن است بهر دهی مأمور باسواد فرستاد

اما این را باید فکر کرد که چقدر خرجش میشود و ما هم که همیشه سعی میکنم از مخارج بکاهم و صرفه جوئی میکنم این است که قائل شدیم بیک اشخاص کدر دهات میتواند این وظیفه را مجاناً انجام دهند و گذار کنیم

حالا اگر در بعضی از نقاط يك اشخاص باسواد یافت نمی شود دیگر لزومی ندارد و در قانون ذکر کنیم و اگر این طور بشود البته دولت مأمور باسواد میفرستد

تبصره پیشنهادی آقای شیروانی را هم ماعبارتش را اصلاح کردیم و این نکته هم قید شده است که رفع این نگرانی هم بشود و دیگر تصور نمی کنیم لزومی داشته باشد در اینجا ذکر کنیم که بهر دهی باید مأمور موظف و باسواد بفرستیم

رئیس - آقای شریعت زاده و شاهزاده شیخ رئیس پیشنهاد کرده اند ارجاع بکمیسیون بشود

شریعت زاده - بنظر بنده این ماده خیلی اهمیت دارد زیرا مقصود از وضع قانون سجل احوال مأمور کردن اشخاص است که وظایفی را که در قانون معین کرده اند در تمام سال انجام دهند و احتیاج اجرای تمام سال را بفرستد بیشتر است

وقتی که مادر قانون سجل احوال موادی مقرر میداریم که تجاوز از این قانون موجب مجازات و جرأ می شود البته باید تصدیق بکنیم که يك کدخد یا ملای ده به هیچوجه وظیفه یعنی حقوق و تکلیفی برای او بوجب قانون مقرر نیست یعنی شخص مجانی نمی تواند انجام این وظیفه مهم را در تمام اوقات عهده دار شود و هم چنین منصفانه نیست که اگر آنها هم قبول بکنند ما این قانون و اثرات آن را در مواقع تخلف نسبت بآنها اجراء بکنیم. از طرف دیگر خیلی واضح است که مأمورین سجل احوال هم در تمام نقاط نمی توانند که اگر ولادت یا ازدواج و غیره واقع شود بتکلیف خودش عمل کنند در اینصورت چطور از کدخدا یا ملای محل مطابقت ترتیبی که در این قانون مقرر است انتظار داشته باشیم که نتایجی که منظور نظر است از اجرای این قانون بدست بیاید و از این نقطه نظر بنده عقیده ام این است که این ماده بر گردد بکمیسیون تا يك مطالعه عمیق تری در این باب بشود و وسائلی که موثر تر باشد تقریباً ما را قائل باشم که موجب وضع این قانون شده است بنمایند و آقایان نمایندگان هم اگر نظری دارند برای تأمین نظریه شان پیشنهاد بفرمایند میفرستند بکمیسیون تا در آنجا دقت کاملی بشود بعد بیاید مجلس

تمام نقاط نمی توانند که اگر ولادت یا ازدواج و غیره واقع شود بتکلیف خودش عمل کنند در اینصورت چطور از کدخدا یا ملای محل مطابقت ترتیبی که در این قانون مقرر است انتظار داشته باشیم که نتایجی که منظور نظر است از اجرای این قانون بدست بیاید و از این نقطه نظر بنده عقیده ام این است که این ماده بر گردد بکمیسیون تا يك مطالعه عمیق تری در این باب بشود و وسائلی که موثر تر باشد تقریباً ما را قائل باشم که موجب وضع این قانون شده است بنمایند و آقایان نمایندگان هم اگر نظری دارند برای تأمین نظریه شان پیشنهاد بفرمایند میفرستند بکمیسیون تا در آنجا دقت کاملی بشود بعد بیاید مجلس

معبر - نماینده محترم در ضمن پیشنهاد ارجاع بکمیسیون دو مطلب را فرمودند و در قسمت اول که تقاضای ارجاع بکمیسیون باشد بنده تعجب میکنم: اساساً قوانین دوشور برایش قرار داده اند برای این که اگر آقایان يك يك نظر بانی دارند در شورش اول پیشنهاد کنند و در کمیسیون اصلاح شود و بر گردد بمجلس و اگر بنا باشد هر ماده را که هر يك از آقایان اشکال کردند بر گردد بکمیسیون تا قیامت قانونی نخواهد گذشت آنچه پیشنهاد در شورش اول شده است اینجا حاضر است و به چه چه در ماده بیست و هشت در باب این ایراداتی که میفرمایند پیشنهاد نشده است حالا میفرمایند مأمور بدون حقوق نمی تواند این وظایف را انجام دهد و باید دولت مأمورین موظف بفرستد بنده عرض میکنم تصور شهر ها و قصبات و دهات را بفرمایند ببینید بودجه دولت یعنی تمام بیست و سه ملیونی را که ما داریم اگر مخصوص مأمورین سجل احوال بکنیم که بهر دهی يك مأمور سجل احوال بفرستیم کفایت میکند یا خیر؟ ما چه کنیم؟ ناچار بودیم که يك طوری بدسیم که بتوانیم عجلان شروع بکار نماییم تا بعد اصلاح شود و بنده با ارجاع بکمیسیون نمی توانم موافقت بکنم

رئیس - رأی می گیریم با ارجاع بکمیسیون آقایان اینکه موافقت قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد رای باید گرفته شود

پیشنهاد آقای حائری زاده

حائری زاده - مجدداً قرائت شود (پیشنهاد ایشان مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس آقایان موافقین با این پیشنهاد قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای مخبر که ماده را اصلاح فرمودند (بشرح ذیل قرائت شد)

در دهاتی که شخص باسواد نباشد که

کار محرر شرعیات را انجام کند مأمورین سیاری که از طرف حکومت مأمور میشوند این وظیفه را عهده دار خواهند شد.

مخبر - این تبصره دوم است که پیشنهاد شده.

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین (باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میشود که تبصره ماده ۲۸ بترتیب ذیل اصلاح شود.

تبصره - مسئولیت سجل احوال ایلات با رئیس ایل مباشرت آن با مأمورین سجل احوال خواهد بود.

رئیس - بفرمایند

ضیاء الواعظین - آقایان تصدیق میفرمایند که ایلات بکسکمت عهده از سکنه این مملکت را تشکیل میدهند در حالیکه در دهات و قراء باسواد ندارند.

ایلات که بطریق اولی همانطور که مسئولیت تأسیس سجل احوال و تعقیب از این موضوع در شهرها با حاکم است در ایلات هم باید با رئیس ایل باشد ولی مباشرت ممکن نیست بعهده خوانین و رؤسای قبایل باشد و همانطور که آقای حائری زاده وسایر آقایان فرمودند سایرین چطور ممکن است مشمول این ماده بشود یا مشمول بعضی از مواد دیگر این قانون واقع بشوند و مسئولیتی متوجه ایشان بشود؟

این است که بنده پیشنهاد کردم همانطور که ذکر شده است مسئولیت بعهده رؤسای ایل باشد ولی مباشرت از وظیفه مأمورین سجل احوال است

و تقریباً تبصره دوم پیشنهاد آقای مخبر محترم کمیسیون هم كك میکند

باین موضوع یعنی مأمور سیار اداره سجل احوال همانطور که وظایف خودشان را در دهاتی که باسواد ندارند انجام میدهند همین وظیفه را هم در ایلات انجام دهند.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

(اینطور قرائت شد)

این بنده پیشنهاد مینمائم که ماده ۲۸ باین طریق اصلاح شود.

مسئولیت اجراء سجل احوال با وزارت داخله است و وزارت داخله از برای اجراء آن نظامنامه مخصوصی خواهد داشت.

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی -

این ماده را که آقایان نوشته اند بنده نفهمیدم.

میکوید عموم افراد مأمورین دولت مسئولیت دارند البته هر مرتبه دانی در مقابل مرتبه عالی یک نوع مسئولیتی دارد و حفظ مسئولیت متوجه بدولت است و دواثر دولتی یعنی وزارت داخله

وزارت خارجه وزارت عدلیه اینها همه مسئولیت دارند.

مسئولیت اجرای قانون سجل احوال در داخله مملکت با وزارت داخله است و خارجه با وزارت خارجه است و مسئولیت اجرای قانون سجل احوال با آنها است که در قسمت اجراء آن هر طوریکه میدانند يك نظامنامه هائی بنویسند بدهند بدست حکام ورؤسای ایلات و جزئیات امور هر نقطه را ملاحظه کنند و نظامنامه را برطبق آن بنویسند و مأمورین سجل احوال هم مسئولیتش در مقابل وزارت داخله است والا اینچنینی نویسد مباشر.

مباشر عبارتست از اداره بلدیة ولی مسئولیت با حاکم است با مباشر نیست همه اینها مسئولیت دارند

آنکسبکه مسئولیت دارد و آن دایرة است که مسئولیت متوجه آنست دائرة وزارت است.

کیفیت اجرا در نظامنامه است و باید وزارت داخله نظامنامه خاصی برای اجرای آن بنویسد و در ممالک خارجه هم مسئولیت با وزارت خارجه است و وزارت خارجه هم باید يك نظامنامه بنویسد و بدهد بامورین خودش والا اگر بنا باشد کیفیت مسئولیت آنرا برای مباشر قرار بدهیم آنوقت با اصول اداری

وزارت داخله درست نمی آید و بنظر بنده اینطور می آید که در داخله باید وزارت داخله و در خارجه وزارت خارجه نظامنامه های مخصوصی بنویسند و بدهند بدست مأمورین خودشان و مسئولیت هم بنا خود آنها است.

مخبر - بنده حتی الامکان از کلمه نظامنامه گریزان هستم و اگر ما قانونی بنویسیم که در آن نظامنامه نباشد بهتر است بجهت این که غالباً دیده ایم نظامنامه ها کش بر میدارد و اسباب زحمت مردم میشود.

اما اینکه فرمودند مسئولیت با وزارت داخله است.

این قسمت در ماده ۳۱ ذکر شده است که مأمور اجرای این قانون وزارت داخله است و البته وقتی که وزارت داخله مسئول اجرای این قانون شد در مقابل مجلس مسئولیت دارد ولی اینکه میفرمایند وزارت داخله يك نظامنامه ای بنویسد و اشخاصی را فرضاً مثل رئیس بلدیة یا حکومت یا کد خدا معین کند و آنها بگوید شما این قانون را اجرا کنید

ممکن است آنها بگویند در قانون برای ماهه چو مسئولیتی معین نشده است و ما بچه مناسب باید این قانون را مجری کنیم؟

یا مثلاً بگویند مأمور عدلیه اجرا کند یا مأمور مالیه باید اجرا کنند پس در اینجا خواسته اند اشخاصی که

در مقابل دولت مسئولیت دارند معین شوند و البته خود آقایان اهمیت قانون سجل احوال را تصدیق دارند که فوق العاده مهم است و مقصود این است که حاکم بگوید اینکار از وظایف رئیس استیفاف یا بدایت است یا رئیس صلح بگوید با امین مالیه است از این جهت خواسته اند در قانون پیش بینی بکنند که حکومت محل مسئول هست که این قانون را اجرا کند

منتهی مباشرتش را در آنجا که بدهد و نظمی دارد با آنها و اگر نداشت با کد خدا و نواب الحکومه قرار داده اند و گمان میکنم بطوریکه در این قانون پیش بینی شده رفع مسئولیت از وزارت داخله نمیکند.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای تهرانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس و قابل توجه نشد. پیش نهاد شاهزاده محمد ولی میرزا (شرح ذیل قرائت شد)

مسئولیت سجل احوال هر ولایت با حاکم ولایت و مباشرت آن در شهر و قصبات با اشخاصی است که حکومت معلوم میدارد و دردهات با کدخدایان و مأمورین امنیه محل است

محمد ولی میرزا - بنده میبینم در بعضی از این پیشنهادها آقایان عقیده دارند که مسئولیت با مأمورین سیار باشد و بنده مخالفم و مضر میدانم و خیلی این مسئله بنظر بنده معایب دارد.

زیرا این قبیل مأمورین مأمورین غیر موظفی هستند و تا این اندازه ها هم که امروز قوانین را اینچور اشخاص اجرا میکنند مردم در زحمتند چه رسد باینکه يك تکالیفی در قانون برای آنها معین کنیم و چون بنده تصور کردم اداره امنیه يك اداره ایست که مسئولیت و وظایف معینی دارد و در همه جا هم هستند و مطابق قانون يك مداخلاتی دارند بهتر نیست که مأمورین امنیه را برای اجرای اینکار قرار دهیم و نسبتاً تصور میکنم از این نظریات بهتر باشد.

مخبر - رأی بگیریید توضیح ماده شده است.

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای شریعت زاده (شرح ذیل قرائت شد)

بنده اصلاح ماده ۲۸ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم -

ماده ۲۸ - مسئولیت سجل احوال هر ولایت با حاکم آن ولایت و مباشرت آن در شهرها یا اداره بلدیة یا نظمیة کدخداسان بکمک محرر شرعیات و وظایف سجل احوال را انجام میدهد و در ممالک خارجه بانمایندگان دولت است

تبصره - مسئولیت سجل احوال ایالات با رئیس اهل و مباشرت آن با خوانین و

است در ضمن نظامنامه که تهیه خواهد کرد با رعایت وضعیت محلی قصبات و دهات محل نزدیکتر را برای مأمور سجل احوال معین نماید که امر اجتهاد کثیرین دهات آنجا بسجولت ممکن باشد

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - تقدیم این پیشنهاد در اثر همان فکری است که قبلاً بنده عرض کردم رسائیدم لیکن در این قسمت هم لازم میدانم توضیح عرض کنم بنده معتقدم که اجرای قانون سجل احوال باید از طرف دولت باشد یعنی برای اصلاح امور مملکت باید اجرای قانون را بعهده دولت واگذار نمود که دولت مأمورینی معین کند که حقیقتاً انجام وظایف محوله بفرمودگان راهنده دارشوند و بعقیده بنده وظایفی که راجع ب اجرای این قانون لازم است خیلی مهم میباشد.

کدخدا یا ملاک محل برایشان مقدور نیست این وظایف را انجام دهند اینچور نتیجه مطالعاتیکه بنده کردم بالاخره اینطور یافتم که اگر دهات متعددی در حوزة مأموریت یک نفر مأمور سجل احوال باشد که آن دهات همه بآن نقطه دسترسی داشته باشند بهتر است.

بایتمنی که مأمور سجل احوال در يك نقطه که نزدیک بهدات متعدد باشد محل خودش را قرار دهد آنوقت دهات مختلفه اطراف باور جوع کنند

اینست هم از نقطه نظر بودجه تولید اشکان نمی کند وهم يك اشخاص کافی را در تمام ولایات مأمور انجام این وظیفه کرده اند

مخبر - رأی بگیریید شریعت زاده - مقرر بفرمایند دوباره قرائت شود.

رئیس - میفرمائید تنفس شود؟

بعضی از نمایندگان - بلی (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ۲۹ (شرح ذیل قرائت شد)

ماده بیست و نهم - حکام بوسیله مأمورین مخصوص و صاحب منصبان امنیه دفاتر سجل احوال حوزة حکومتی خود را مرتباً نظارت و تفتیش نموده و ناقص کار آنها را رفع مینمایند و مرتباً باید در وزارت داخله از جریان سجل احوال مطلع نمایند

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - رأی می گیریم به ماده ۲۹ آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

ماده ۳۰ (شرح ذیل قرائت گردید)

ماده سی ام - مأمورین سجل احوال مکلفند که در هر دو ماه یکبار تبه اهالی آن محل را متذکر گردنند و اوراق هویت نموده و مجازاتهای مقرر را بوسیله اعلانات باهالی

گوش در نمایاند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

ماده ۳۱ (شرح ذیل قرائت شد)

ماده سی و یکم - وزارت داخله مأمور اجرای مواد این قانون است که بلافاصله پس از تصویب وسایل اجرای آن را فراهم و پس از شش ماه شروع به اجراء نمایند.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - در این ماده اسمی از نظامنامه برده نشده و بنده عقیده ام این است نوشته شود وزارت داخله مکلف است نظامنامه ای برای اینکار تهیه کند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده آقای شیروانی را تذکر میدهم بهیکل مهیب نظامنامه هائی که در سایر وزارتخانهها مجری شده که اجرای آن اسباب زحمت همه شده است شما میخواهید وزارت داخله را مأمور کنید که يك نظامنامه ای تهیه کند و مردم را در زحمت بیندازد و بنظر بنده هیچ لزومی ندارد تمام مواد نظام نامه در این قانون ذکر شده و هیچ محتاج ب چیزی نیست که برای آن نظامنامه بنویسند

رئیس - شاهزاده غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - بنده عقیده دارم که باید در هر صورت يك نظامنامه برای هر قانونی نوشت و قانون بدون نظامنامه نمیشود.

وقتی که يك وزارتخانه حکم میکند که فلان قانون را اجرا کن باید يك نظامنامه ای هم برای آن تهیه کنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی میگیریم به این ماده الحاقیه که ماده ۳۱ میشود و ماده ۳۱ سی و دو می شود.

مخبر - تنظیم مواد بدهد باید بشود.

چون بعضی مواد دیگر هم نیست که به کمیسیون ارجاع شده حالا بعنوان ماده الحاقیه باشد تا بعد بنیتم سی و یک میشود سی و دو.

رئیس - خوب رأی می گیریم باین ماده الحاقیه آقایان موافقین قیام فرمایند

۳۲ شود ماده ۳۱ دفاتر سجل احوال تهران که قبلاً تنظیم شده و وظایفی که افراد بموجب مقررات قبلی سجل احوال انجام داده اند بعد از اجرای این قانون جزء دفاتر جدید نقل و قانونی محسوب خواهد شد.

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم محتاج به توضیح زیاد نباشد.

در تهران قریب صد و هشتاد هزار نفر ورقه سجل احوال گرفته اند در این صورت نباید دومرتبه از سر بگیرند و تجدید کنند که مستلزم يك مخارج دیگری شود

مخبر - از طرف کمیسیون قبول می کنم.

رئیس - قبول میشود؟

مخبر - بلی

رئیس - دومرتبه قرائت میشود (شرح گذشته قرائت گردید)

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - چون اطلاع نداریم آن مواد چیست شاید بعضی از آن مواد مخالف باین مواد باشد.

در اینجا مثلاً قطعاً معین شد که رئیس خانواده مکلف است.

در آنجا شاید معین نشده باشد که رئیس خانواده کیست موادی که مطابق با این مواد است و عمل شده قابل اجراء است.

یعنی مجلس امضا میکند آن دفاتری را که بر طبق آن قانون سابق مرتب شده و باین قانون است رسمیت دارد.

اما اگر آمد آن دفاتر مخالف این قانون بود یعنی روی يك موادی تنظیم کرده بودند که مخالفت داشت با این مواد آنوقت این اسباب زحمت است برای مردم برای اینکه از امروز يك دفاتری معین می کنند بر طبق این مواد و يك دفاتری هم تنظیم شده بر طبق آن مواد.

این مسئله بعدها اسباب اشکال میشود اگر دفاتر بر طبق این مواد سابقاً تنظیم در این صورت رسمیت دارد و اگر مخالف با این مواد باشد آن دفاتر رسمیت ندارد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - تصویب شده است.

الحاقیه که ماده ۳۱ میشود و ماده ۳۱ سی و دو می شود.

مخبر - تنظیم مواد بدهد باید بشود.

چون بعضی مواد دیگر هم نیست که به کمیسیون ارجاع شده حالا بعنوان ماده الحاقیه باشد تا بعد بنیتم سی و یک میشود سی و دو.

رئیس - خوب رأی می گیریم باین ماده الحاقیه آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

پیشنهاد آقای حائریزاده (بشرح ذیل خوانده شد)

حائریزاده معتقد است ماده ذیل الحاقی شود:

در نقاطی که دفتر سجل احوال ایجاد گردید کسانی الی يك فرسنگ شعاعی دفتر سجل احوال سکونت دارند مکلف میباشد که ورقه سجل احوال دریافت دارند.

حائری زاده - آقایان ملاحظه می فرمایند که در ماده اول این قانون نوشته شده عموم اتباع ایران پس از يك سال از تاریخ تأسیس شعب سجل احوال در ایالات و ولایات باید دارای ورقه هویت باشند فرضا از سمنان و دامغان يك دفتری باز شد اهالی جندق که پنجاه فرسخ فاصله دارند بموجب این ماده مجبورند ورقه هویت تهیه کنند و اگر هم تهیه نکرده بوجه مقررانی که در این قانون پیش بینی شده مجازات میشوند یکی دو ماه هم که هست چیزهای مجبلی است که کاملاً ترتیب را تعیین نمیکند مثلاً میگویند وزارت داخله بناست مأمور سیار بفرستند مردم را اول بآن ماده مقید میکنند بعد اگر نفرستاد معین نمی کند که تکلیف مردم چیست

بنده معتقدم که این ماده را اضافه کنیم که هر کجا که دفتر سجل احوال هست تا يك فرسخ شعاعی اطرافش مجبور هستند بموجب ماده اول ورقه هویت تهیه کنند که اگر چنانچه دفتر سجل احوال يك دفعه اعلان کرد و مردم حاضر نشدند برای گرفتن ورقه هویت آن اشخاصی که در يك فرسخی دفتر هستند آنها مجازات شوند والا برای اشخاص دور است اگر قانون باین ترتیب مبهم باشد اسباب اشکال معاون وزات داخله بنده تصور میکنم این ترتیبی را که آقای حائریزاده پیشنهاد کرده اند بیشتر اسباب اشکال میشود برای این که محل سکونتشان از چندشق خارج نیست یا در شهرند که تکلیفشان معین است آن مرا کزی که سجل احوال دائر است معین هست یا در قصبه هستند در قانون هم تصریح شده است که تکلیف باین الحکومه است یا در قصبه هستند که بازم معین شده یا در حوزة ایلات و عشایر هستند آنها هم تکلیفشان معین است

بنابراین هر کس در هر کجا باشد از این چهار عنوان خارج نیست حوزة های آن محلها هم معین است بنابراین چه ضرورت دارد که قرب وبعد و فواصل آنرا معین کنیم؟

رئیس - رأی میگیریم باین توجه بودن این ماده آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

ماده الحاقیه دیگر پیشنهادی آقای یاسائی (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه حوزة های سجل احوال بموجب جدول منضم باین قانون معین است یاسائی - بعقیده بنده اجرای بعضی از قوانین ملازم است با يك حوزة بندی های مخصوص چندین قانون است که بدون حوزة بندی در اجرائشان اشکالات تولید میشود یکی قانون انتخابات است دیگر قانون نظام اجبار است که انشاء الله در آتیته میخواهیم بگذرانیم البته ملازم با يك حوزة بندی هائی هست که باید مملکت منقسم شود بخواهی مخصوصی.

یکی دیگر قانون میزبانی است که بعد از آنکه در مملکت میزبانی شد جزء جمعهایش باشد در يك مرکز معین تر گردید

کند و گفته شود فلان حوزة فلان قدر مالیات دارد.

دیگر از قوانینی که حوزة بندی میخواهد قانون ثبت اسناد است بعقیده بنده هر جا که ثبت اسناد میخواهند معین کنند باید حوزة بندیش را معین کنند آنوقت بگویند فلان ملک در فلان حوزة واقع هست باید در فلان دفتر ثبت شود یکی دیگر از قوانینی که حوزة بندیش از همه قوانین لازمتر است قانون سجل احوال است مادر اینچنینی بینی میکنیم که برای فامیلیا باید اسامی خانوادگی مخصوصی انتخاب شود. دائر اولش که دائره کوچکتر است از همه اسم شخصی هست بعد از آن که وسعت پیدا کند يك عائله یا فامیلی نام پیدا میکنند بعد هم که وسعت میدهد يك دهی خودشان را منتسب میکنند بآن ده و قدری هم که وسعت پیدا کرد بالاخره منتسب بیک ولایت و هر کسی خودش را منتسب بیک شهری میدانند بنابراین يك حوزة بندی به مضبوط و منظمی برای اجرای این قانون لازمست مثلاً فیروز کوه را بنده تشخیص نمیدهم جزء مازندران هست یا طهران و واقف فیروز کوهی منتسب بتهران است یا بباوندان نظایر این طور ولایات خیلی داریم مثلاً گروس نمایان منتسب بکردستان است یا مستقل هست بنابراین بنده عقیده ام این است که يك ملاکی باید در این قانون فرض کرد و حوزة را معین کرد تا انتسابات اشخاص محفوظ بماند بهمان ذلیلی که که عرض کردم اجرای قانون نظام اجباری اجرای قانون انتخابات و تا يك اندازه جزء جمعها ثبت اسناد موقوف بیک حوزة بندی هائی است مقدم بر همه

سجل احوال است اینست که بنده پیشنهاد کردم که يك حوزه بندی وزارت داخله برای این قانون در نظر گیرد و ضمیمه این قانون شود ولی تقسیمات فعلی غالباً بی تناسب است .

در یکی از مواد این قانونی ما گفتیم حاکم هر ولایت مسئول سجل احوال است یعنی والی خراسان مثلاً مسئول است در صورتی که تمام حکام بنظر آن والی انتخاب میشوند و معلوم نیست حوزه های خراسان مستقلند و مربوط بایالت نیست و والی مسئول حوزه خودش است یا خیر؟

والی مسئول تمام حوزه های خراسان است همینطور فرضاً ارومیه حاکمش مسئول همان ارومیه است .

والی آذربایجان مسئولیتی ندارد یا خیر و بنظر بنده باید حوزه بندیها معین و جدولی ضمیمه شود و انتساباتی که اصل مقصود و منظور است محفوظ بماند .

والا آنطوریکه بارلمان میخواهد محفوظ نمی ماند و باید نسبت بتمام نقاط و شهرها و ولایات حدود قرارداد که بالاخره درجه بندی ولایاتی معین باشد .

معاون وزارت داخله - حوزه بندی موضوعش در تشکیلات اداری مملکت است و بطور عموم تقسیم بندی می شود که حوزه های اداری مملکت از نقطه نظر کشوری از چه قرار است حوزه بندی نظام هم البته علیحده است ولی از نقطه نظر سجل احوال یعنی چه ؟

راست است حوزه بندی اداری که نقشه اش را در دست داریم باید بشود يك کار خوبی هم هست و خیلی هم مهم است وقتی که حوزه بندی اداری شد آنوقت هر يك از شعب اداری کشوری مربوط بان قسمت میشود چه احضائیه و چه غیر آنها بنا برین بنده اینجا در قانون سجل احوال موضوعی برایش نمی بینم .

رئیس - رأی میگیریم باین ماده الحاقیه آقایانی که قابل توجهش میداند قیام فرمایند .

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . ماده یازده میماند برای موقعی که سافر مواد ارجاع شده از کمیسیون بر گردد نسبت بدستور پنجشنبه چند فقره تقاضا شده :

اولاً آقای عماد السلطنه و آقای معتمد السلطنه تقاضا کرده اند که خبر کمیسیون بودجه راجع بمستخدامین بلژیکی گمرکی جزء دستور شود .

رئیس - آقای مشار اعظم .
مشار اعظم - بنده مخالفم .
رئیس - آقای حاج میرزا هب - الوهاب

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم مخالفم .

عماد السلطنه - اجازه میفرمائید توضیح بدهم .

رئیس - بعد .
آقای آقا شیخ جلال و آقای هب - السلطان و آقای روحی تقاضا کرده اند که

قانون نظام اجباری جزء دستور شود . (بعضی از نمایندگان - صحیح است)
آقای اعتبار الدوله هم تقاضا کرده اند که قانون استخدام کشوری جزء دستور شود

آقای عماد السلطنه .

(اجازه)

عماد السلطنه - پیشنهادی که ما راجع بدوازده نفر مستخدمین بلژیکی گمرک کردیم برای بعضی از آقایان اشتباه حاصل شده است و تصور فرموده اند راپورت راجع ببولیتر است در صورتیکه اینطور نیست .

ایک يك چیز تازه و خرج جدیدی نیست يك اشکالی در نتیجه سهوی که وزیر مالیه در دوره چهارم کرده است و در جواب آقای ارهاب کیخسرو يك جوابی داده است حاصل شده و این مسئله وضعیت داخلی مستخدمین بلژیکی را از حال

طبیعی و عدالت خارج کرده باین جهت يك پیشنهادی بمجلس تقدیم کرده اند و در هم آمده و تصویب شده و راپورت آن مدت است تنظیم شده و برای اصلاح وضعیت آنها لازمست زودتر تحکیمش در مجلس معین شود .

رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . قانون بلدیة و راه بندر جزء هم باین تقاضاها ضمیمه شده است .

رأی میگیریم بقانون نظام اجباری آقایانی که تصویب میکنند جزء دستور روز پنجشنبه شود قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . چون فردا روز عید است و باید برای عرض تبریک حضور والا حضرت اقدس شرفیاب شد اجازه میفرمائید شش نفر بقرعه معین شوند -

جمعی از نمایندگان - صحیح است

(در اینموقع آقای معظم السلطان استقراع بعمل آورده آقایان مفصله ذیل معین شدند)

آقای شیخ العراقین زاده - آقای حاج میرزا عبدالوهاب - آقای عدل الملک - آقای سردار فاخر - آقای رئیس التجار - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چون بنده فردا کار دارم خوبست عوض بنده دیگری را معین کنند

(مجدداً استقراع بعمل آمده آقای امیراعلم معین شدند)

رئیس - جلسه ختم میشود (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی
مؤتمن الملک
منشی
منشی
علی اقبال الملک
معظم السلطان

جلسه ۱۴۰

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و دوم حوت یکم هزار و سیصد و سه مطابق شانزدهم شعبان المعظم یکم هزار و سیصد و چهل و سه

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم سه شنبه بیستم حوت را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا - بنده از حضور ریاست استعجازه کرده بودم

رئیس - باید از کمیسیون تحقیق شود به بینیم برای چه اجازه نداده است .

آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - قبل از شروع بدستور عرض مختصری داشتم .

رئیس - آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد یا نه؟

جمعی از نمایندگان - خیر
رئیس آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در این چند روز تلگرافاتی راجع به اوضاع جدیدی که تحمیل بر بعضی اصناف میشود رسیده است و چون یزد يك شهر صنعتگری است از آنجا بیشتر شکایات می کنند .

مثلاً صنّف ابریشم با فایاد باغ شکایات می کنند که يك مالیات هائی از آنها طلبیه میکنند بوزارت مالیه عنوان می کند که بعضی

از اصناف بکلی از بین رفته اند مادرعوض باید از بعضی دیگر بگیریم که جبران بشود .

من هر چه فکر کردم فلسفه برای این موضوع پیدا نکردم

اولاً دولت مالیات را بی اجازه مجلس